

ادامه از صفحه اول

در جدال میان نوروتاریکی...

برای همین این‌لملجی‌ها در صد قتل او برمی‌آیند. برای نمونه نظراتش را درباره نمازهای جماعت دوران خلفا بخوانید که براساس آن گروهی او را تارک‌الصلاه خواندند و عده‌ای تعجب کردند او در مسجد به شهادت رسیده است. پرسش اصلی آنها این بود: علی در مسجد چه کار داشته؟ مگر علی نماز می‌خوانده؟! ششم- برخلاف نظریادداشت‌نویس روزنامه جوان، «هرگز و در هیچ‌کجای نمایش و نمایش‌نامه قضیه قتل امیرالمؤمنین به دست این‌لملج با قتل‌های زنجیره‌ای ده ۷۰ کسان جلوه داده» نشده است. نمایش‌نامه «مجلس ضربت‌زدن» بیش و پیش از هر چیز از استراتژی حذف سخن می‌گوید؛ اینکه در تاریخ گروه‌هایی وجود داشته و دارند که هرگز نمی‌خواهند و نمی‌توانند کسانی را که چون آنها نمی‌اندیشند تحمل کنند و دست به حذف آنها می‌زنند. این نکته یکسان میان این‌لملج و قاتلان زنجیره‌ای خودسر و طالبان و داعش است و نه همان‌ز دانستن علی (ع) با کسی یا کسانی در جهان؛ که این قیاسی مضحک است و مستوجب ملامت. جایی در نمایش‌نامه «مجلس ضربت‌زدن» نویسنده می‌پرسد مگر از جانمان سیر شده‌ایم که خود را جای مقدسین جا بزم؟ و من اضافه می‌کنم اساسا چه لزومی دارد کسی به ورطه «خودمقدس‌پنداری» بیفتد و مضحکه‌ای را اسبب شود؟ خوانند دوباره نمایش‌نامه پیشنهاد می‌شود.

هفتم- اگر در بخشی از نمایش کارگردان می‌گوید: تو نیمه خالی لیوان را می‌بینی و من نیمه پر را و نویسنده پاسخ می‌دهد: «من نیمه پر را می‌بینم که به‌سریعت دارد خالی می‌شود» اشعارش به فضای نمایش و تئاتر ایران در دهه ۷۰ است و نه معصومیت انمه... این میزان توهم از سوی یادداشت‌نویس روزنامه جوان را واور ندارم.

هشتم- یادداشت‌نویس روزنامه جوان از مصطفی عقاد به عنوان کارگردان سوری نام برده‌اند... اما فیلم «پیام» یا به عنوان عربی «رسالت» یا به قول ایشان «محمد رسول‌الله» عیب محصول کاملا هالیوودی است و خودشان احتمالا بهتر می‌دانند هالیوود وقتی پای فیلم‌های مذهبی و به‌ویژه اسلامی در کار باشد از چه ترغندهایی استفاده می‌کند. متأسفانه نسخه‌چیجی توأمان وهابیت و هالیوود در فیلم «پیام» حدود ۴۰ سال است که نفس فیلم‌های مذهبی سینمای ایران را گرفته. نسخه‌ای که خود مصطفی عقاد هم به آن اعتقاد نداشته و خود در مصاحبه‌ای با مرحوم سیدمرتضی اوانی، چنین می‌گوید: «...به ما گفتند که باید از «باطی فی‌العالم الاسلامیه» در عربستان سعودی اجازه بگیرید. آنها متلاً جناح راست افراطی بودند. آنها فکر می‌کردند که همه ملحدند. الا زهری‌ها ملحدند. باید می‌رفتم آنجا و می‌فهمید چرا با آن مخالفاند. من به آنها درباره این «صوره حرام» گفتم که من در دانشگاه کالیفرنیا یاد گرفته‌ام که کسی که تتوری عکاسی و عدسی‌س‌ها را پایه‌گذاری کرد، یک مسلمان بود به نام «حسن ابن حیفاء» عکس فیصل در روزنامه بود، گفتم، این یک «صوره حرام» است؟ گفت که نه این اشکال ندارد، چون «انجماد سایه» FREEZING SHADOW است... می‌گفت شما در سینما آن را به حرکت درمی‌آورد و به آن روح می‌بخشید و خلقت روح فقط به خدا مربوط است... من گفتم اگر تصویر خودم را در آینه ببینم دلیل نیست که من یک روح خلق کرده‌ام و اگر من قادر بوم روح خلق کنم، ارواح بسیاری برای تمام جهان عرب خلق می‌کردم...».در نمایش‌نامه «مجلس ضربت زن» نویسنده در جایی می‌گوید، در شبیه‌خوانی چهره اولیا را نشان می‌دهند؛ چگونه است که روی صحنه این منمویت وجود دارد؟ در مجموعه تلویزیونی ولایت عشق، آقای فرخ نعمتی نقش امام رضا (ع) را بازی می‌کرد. هم فیزیک بدن متعلق به آقای نعمتی بود و هم صدا. مردم هم می‌دانستند که این باربزرگ، فرخ نعمتی، باربزرگ سینما و تلوزیون و تئاتر، است، با چهره و صدای ایشان آشنا بودند. اما در بخش تلوزیونی و سینمایی این مجموعه، بر چهره آقای نعمتی نوری تابانده می‌شد که تمام فاخر بودن مجموعه ولایت عشق را زیر سؤال می‌برد و آن را شبیه به انیمیشنی از تولیدات دیزنی می‌کرد. خوشبختانه کارگردانان فهیم ایرانی مثل مجید مجیدی و احمدرضا درویش به این ترغندهای هالیوودی روی خوشی نشان ندادند و البته که چوبش را هم دارند می‌خورند.

نهم - عنوان یاداشت روزنامه جوان به کفرگویی بیضایی و رحمانیان اشاره دارد. درباره خودم حرفی نمی‌زنم جز اینکه خدا را شاکر باشم یک درجه تخفیف گرفته‌ام و جرمم از ارتداد - که آقایان پیش از این به آن محکوم کرده بودند - به کفرگویی تقلیل یافته... اما از شما می‌پرسم چگونه است تلوزیون ایران ۲۰ سال تمام - از بهار ۱۳۷۵ تا امروز - حداقل سالی دو بار فیلم روز واقعه را که فیلم‌ماش را همین نویسنده کفرگو نوشته، نشان می‌هد و سینمای ایران از ساخت آن به خود می‌بالد؟

دهم- نمایش‌نامه «مجلس ضربت‌زدن» بارها و

در دولت‌های مختلف اجازه چاپ داشته بی‌آنکه حتی

یک کلمه از آن تغییر یابد. به شکل دقیق‌تر، دولت‌های

هشتم، نهم، دهم و یازدهم به این اثر مجوز چاپ

داده‌اند، فارغ از اینکه چه نامی بر خود گذاشته‌اند؛

اصلاحت، رایجه خوش خدمت یا تدبیر و امید... پس

جنگل‌ان این روزهای روزنامه جوان و سایت‌هایی که

آن را بازنشر داده‌اند، بر سر چیست؟ ۱۷ سال است

این نمایش‌نامه مدام تجدید چاپ می‌شود چرا امروز

به یاد آن افتاده‌اند؟ آیا جز این است که اقبال عمومی

تماشاگران به این نمایش را خوش ندارند؟ و رقم بیش

از ۲۰ هزار تماشاگر در ۲۳ شب، آنان را اززده است؟

منتقد «هفت» به نوجوانان آموزش می‌دهد

نقدنویسی بادیستور زبان «فراستی»



فرانک آرتا: قرار است بهزودی برنامه‌ای ۲۶ قسمتی تحت عنوان «یک حبه نقد» با محوریت آموزش سینما در شبکه کودک و نوجوان پخش شود. سیداحمدرضا دانش، تهیه‌کننده این برنامه، ضمن تأیید این خبر درباره محتوا و شکل این برنامه به «شرق» گفت: «هدف ما در این برنامه آموزش سینما به گروه سنی نوجوانان است که در این مسیر از حضور منتقدانی شناخته‌شده همچون مسعود فراستی و دیگران بهره می‌بریم».

این تهیه‌کننده در برابر این پرسش که اسامی سایر منتقدان و کارشناسان چیست، پاسخ داد: «چون هنوز اسامی قطعی نشده‌اند، بهتر است دراین‌باره اظهارنظری نکنم. ولی آیت‌های آقای فراستی تاکنون ضبط شده‌اند».

همچنین درباره این نکته که اساسا مسعود فراستی به دلیل ادبیاتی که در نقد فیلم‌ها به کار می‌گیرد، چندان مورد رضایت اهالی سینما نیست، در این صورت دستور زبانی که برای تربیت نسل نوجوان به کار می‌برد از چه لونی خواهد بود، چنین واکنش نشان داد: «برنامه ما ناظر بر حاشیه‌سازی اطراف سینما نیست. ما از دانش و سواد مسعود فراستی در دنیای نقد بهره می‌بریم. مبنای ما همان هدفی است که در برنامه داریم. همه ما می‌دانیم که ایشان توانایی چنین کاری را دارند. آقای فراستی در این برنامه فقط میانی نقد و براساس اصول تئوریک تدریس می‌کنند. شکل برنامه ما هم به این صورت است که گروهی از نوجوانان در استودیو حضور پیدا می‌کنند و در هر برنامه یک فیلم سینمایی نمایش داده می‌شود و بعد از فیلم آنها درباره فیلم نظر می‌دهند. در این میان آیتمی داریم با نام «کلاس نقد» که با حضور مجری - کارشناس اداره می‌شود و افرادی همچون آقای فراستی و سایر کارشناسان و منتقدان درس می‌دهند. درمجموع در برنامه ما قرار است ۲۶ فیلم به نمایش درآید».

همچنین وی درباره روش‌مندی و اصول نقد به «شرق» گفت: «روش نقدها بستگی به خود استادان

خبرنگار اکونومیست از اولین دیدارش با کیارستمی یاد کرده و روزی که او به سایه یک لیوان شیشه‌ای توجه کرده و با اشاره به مرگ این فیلم‌ساز گفته است که سایه او همچون شاعران بزرگ ایرانی گسترده‌تر خواهد شد. هفته‌نامه خبری اکونومیست در مطلبی که در ستونی ویژه فرهنگ و هنر منتشر می‌شود، عباس کیارستمی، کارگردان و عکاس شناخته‌شده ایرانی را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده این مطلب خاطرات خود را از چندسال قبل و بعد از مرگ کیارستمی را در تهران دیده، بیان کرده است. او از شبی یاد کرده که تعدادی از هنرمندان ایرانی در سفارت ایتالیا دور هم جمع شده بودند: «اولین‌بار عباس کیارستمی، فیلم‌ساز ایرانی را وقتی ملاقات کردم که موج تماشا‌ی یک سایه بود. ما یکدیگر را در سفارتخانه تاریخی ایتالیا در محله آرام فرانیه در شمال تهران ملاقات کردیم. سفیر ایتالیا عاشق سینماست و اغلب از تعدادی فیلم‌ساز ایرانی دعوت می‌کرد تا آخرین فیلم‌های ایتالیایی به سبک سینما پارادیزو را در باغ سرسبز خود نشان دهد». در ادامه مطلب چنین آمده است: «حال‌وهوای آن شب غم‌انگیز بود. ماه ژوئن سال ۲۰۰۵ بود و شهردار تهران، محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شده بود. هنرمندانی که آن شب جمع شده

هنر

حراست وقت سازمان سینمایی مدعی شد

«دریافتی» میلیاردي ۲ مدیر احمدی نژادی



شرق: «ماجرای شیرین فیش‌ها ادامه دارد! قطار سیاست راه افتاده. از بخت بد اهالی فرهنگ، قطار سیاست که در این سرزمین چندان هم خالی نمی‌رود، ایستگاه‌های پرشماری در سرزمین فرهنگ و هنر و به‌ویژه سینما دارد. حالا در این فیش‌بازار سیاست بگذارید فیش حقوقی رئیس سازمان سینمایی را همه بدانند. حقوق ایوبی نوشت، بعد از آنکه جواد شمقدری، رئیس پیشین سازمان سینمایی، با ارائه فیش حقوقی‌اش آخرین دریافتی خود را از سازمان سینمایی بین سه تا چهار میلیون اعلام کرد. اینها اما پایان ماجرا نبود. روز گذشته «تابناک» از دستیابی به اطلاعات تازه‌ای خبر داد که نشان می‌دهد یکی از مدیران پیشین سینمایی کشور در دولت گذشته، طی یک دوره ۳۴ماهه «دریافتی» میلیاردی داشته است که براساس گزارش نهادهای مسئول، بیش از ۷۰۰ میلیون از این دریافتی، «حق مأموریت» بوده است. مطابق با اسناد مورد ادعای تابناک، محمدرضا عباسیان، مدیرعامل پیشین مؤسسه رسانه‌های تصویری، در دوره ۳ ماهه مدیریتش (از مرداد ۸۹ تا اردیبهشت ۹۲)، بیش از ۱۴۶۹۸۹۶۴۷ تومان (یک‌میلیارد و ۴۶۹ میلیون و ۹۲۲ هزار تومان) دریافتی داشته و عباس اسداللهی، خزانه‌دار پیشین مؤسسه رسانه‌های تصویری، نیز در دوره ۵۱ماهه فعالیتش از تیر ۸۹ تا شهریور، ۶۸۲۲۸۳۵۴۸ میلیون تومان (۶۸۲ میلیون و... تومان) دریافتی داشته است. مجموع دریافتی این دو مقام مسئول در دوره زمانی فعالیتشان معادل ۲۱۵۲۲۷۰۴۹۵ تومان (دو‌میلیارد و ۱۵۲ میلیون و ۲۷۰ هزار تومان) بوده که البته بخشی از این دریافتی، شامل هزینه‌های نمایشگاهی (نظیر هزینه طراحی غرفه مؤسسه رسانه‌های تصویری در بازار فیلم کن)، هزینه‌های پرسنلی و جاری مؤسسه رسانه‌های تصویری و همچنین خرید امتیاز فیلم عباسیان پس

لیوان ایستاده، تنها چند اینچ ارتفاع داشت اما سایه آن روی چمن آراسته سفارت، شبیه یک استوانه ۱۰ فوتی بود».این گزارش سپس به چندسال بعد اشاره دارد: «سال‌ها بعد از دگا، امپرسیونیست فرانسوی، نقل‌قولی شنیدم که من را یاد آن شب انداخت. او گفته بود هنر آن چیزی نیست که شما می‌بینید اما شما آنچه می‌سازید، دیگران می‌بینند. کیارستمی در آن‌موقع متوجه چیزی شده بود که هیچ‌کس دیگری به آن توجه نکرده بود». در ادامه این مطلب، نویسنده نگاهی به یکی از فیلم‌های کیارستمی با عنوان «طعم گیلاس» داشته و خلاصه‌ای از این فیلم را آورده است و پس از آن در یک نگاه کلی به سینمای کیارستمی چنین عنوان شده است: «کیارستمی فهمید که ماجرای غنی ایران، سیاست نیست بلکه مردم هستند. او به شرح زندگی مردمی پرداخت که به حاشیه رانده شده بودند مثل روستاییان، کارگران، مادران مجرد، مسلمانان و یتیمان».

در بخش انتهایی مطلب هم درباره کیارستمی در ایران چنین نوشته شده است: «هرچند او در اصل یک فیلم‌ساز ایرانی بود اما کارهایش در وطن اغلب مورد سوءظن قرار می‌گرفت... مرگ او با غم و اندوه بزرگی روبه‌رو شد اما سایه او همچون بسیاری از شاعران فارسی‌زبان با گذشت زمان بزرگ‌تر خواهد شد».

اکونومیست روایت کرد

سایه بزرگ کیارستمی

بودند. نگران بودند ایران دچار التهابات شود و محدودتر شوند. در میز شام بحث بر سر سیاست بود. نقاشان و نویسندگان درباره ترک موقت وطن و سفر به پاریس و مونترال صحبت می‌کردند. گالری‌داران درباره راه‌اندازی شعبه‌هایی در دوبی صحبت می‌کردند. کیارستمی میهمان افتخاری بود که برای نمایش آخرین فیلمش «بلیت» آمده بود. او پیچ‌های سیاسی را نادیده گرفته بود». اکونومیست درباره دل‌مشغولی کیارستمی افزود: «توجه کیارستمی روی یک لیوان آب نازک و بلند روی میز شام بود. او شبیه را بلند کرد، آن را کمی حرکت داد و دوباره روی میز گذاشت. بدون آتش به شخصی خاصی اشاره کند پشت عینک آفتابی مشخص گفت: «چه سایه قابل‌توجهی. تا به‌حال چنین سایه‌ای دیده‌اید؟». در تهران مانند رم، گرمای آفتاب و خشکی هوا، گرگ و میش تابستانی جذابی را به وجود می‌آورد.

مشتري کافه خیابان وسط

غیبت دست‌راستی

می‌کند و با تردید می‌گوید: «اگر مهم نبود کسی حرفی نمی‌زد. می‌زد؟» دست‌چپی بی‌حوصله‌تر از پیش می‌گوید. «حق را شماست. شما درست می‌گویید». اما گارسون قصد رفتن ندارد، می‌گوید: «اجازه هست؟» و پیش از آنکه پاسخی بشنود، روی صندلی خالی دست راست می‌نشیند. دقیقاً جای «دست‌راستی». می‌پرسد: «امروز دوستان نایمده؟» دست‌چپی می‌گوید: «خجالت‌کشیده لابد». گارسون می‌گوید: «بابات چه؟» دست‌چپی می‌گوید: «بابات اذیت و آزاری که به آن بنده خدا رساندند». گارسون با تعجب می‌گوید: «به آقای کیارستمی؟» دست‌چپی آهی می‌کشد و می‌گوید: «بله. آقای کیارستمی». گارسون کنج‌کاوتر می‌پرسد: «خیلی اذیتش کردند؟» دست‌چپی که دیگر مایل به ادامه این گفت‌وگو نیست می‌گوید: «شما امروز کاری ندار؟» گارسون که تمایلی به پرخاشن ندارد، می‌گوید: «مزارح شده‌ام؟» دست‌چپی با تأخیر می‌گوید: «مزارح که نه. اما جز من توی این کافه مشتری‌های دیگری هم هستند. نمی‌خواهید سری به آنها بزنید؟ شاید با شما کار داشتند؟» گارسون حاضر جواب می‌گوید: «هرکس کار داشت صدا می‌کند». دست‌چپی که دچار روبریاستی شده است مستحلاً در دگر کردن او ناچار به پاسخ می‌دهد: «خیلی... شخصیت برجسته‌ای که سوا

پیشنهاد روز

آلبوم «افسانه شاعر گمنام»

رونمایی می‌شود

●**شرق:** دومین لوح فشرده از سری «صدای شاعر» به همت مؤسسه هنر نوین منتشر شد. در این آلبوم بخشی از شعرهای «افسانه شاعر گمنام»

توسط محمدعلی سپانلو در استودیو ضبط صدای

پارسیان اجرا شده و کار میکس موسیقی را آرمان

نوروزی برعهده داشته است. سعدی گل‌بیانی، دبیر

این پروژه، از برگزاری نشست‌بی به همین مناسبت خبر

داد و گفت: «اولین اثر از سری صدای شاعر، سطرهای

پنهانی است که درواقع گزیده‌ای از شعرهای حافظ

موسوی با اجرای شاعر بوده است. غیر از آن الواح

فشرده رضا برانهی و عباس صفاری هم به‌زودی

منتشر خواهند شد». گل‌بیانی افزود: عصر روز جمعه

اول مرداد ساعت پنج، گشت‌بی به بهانه انتشار لوح

فشرده افسانه شاعر گمنام، با صدای محمدعلی

سپانلو، در مؤسسه کارنامه برگزار می‌شود. در این

جلسه مدیا کاشیگر، مشیت علایی، حافظ موسوی و

علی ثباتی درباره شعر زندیاد سپانلو سخن خواهند

گفت. کار در بخش بعد با شعرخوانی شهاب مقربین،

علی اسداللهی، آرش اله‌وردی، داوود بیات، آتفه

چارمچالیان، کنایون ری‌زخرانی، آیتدا عمیدی، بهاره

فریس‌آبادی، بنفشه فریس‌آبادی، علی قنبری، فریاد

ناصری و مازیار نیستانی ادامه پیدا می‌کند. حضور

برای همگان آزاد است. جلسه ساعت ۱۷ در محل

مؤسسه کارنامه، واقع در تجریش، روبه‌روی پمپ

بنزین باغ فردوس، کوچه افراز، کوچه انوش، پلاک پنج

برگزار می‌شود.

نگاه

تبریک انجمن عکاسان سینما

به «شاهسواری»

●**شرق:** انجمن عکاسان سینمایی ایران انتخاب منوچهر شاهسواری به‌عنوان مدیرعامل خانه سینما را تبریک گفتند. به گزارش روابطعمومی انجمن عکاسان سینمای ایران، در متن این نامه آمده است: جناب آقای منوچهر شاهسواری انتخاب شایسته شما را به‌عنوان مدیرعامل خانه سینما تبریک عرض می‌کنیم و آرزوی موفقیت و پیشبرد امور خانه سینما از سوی جناب‌عالی را داریم... همچنین از زحمات جناب آقای میرکرمی برای توجه به امنیت شغلی صنوف و حمایت، پشتیبانی و همراهی با انجمن عکاسان سینما تشکر می‌کنیم.

مهلت ارسال آثار به جشنواره

عکس برج میلاد

●**شرق:** هدف از دومین دوره جشنواره بین‌المللی عکس برج میلاد تهران، معرفی نماد ملی ایرانیان در عرصه بین‌الملل است. دبیر دومین دوره جشنواره بین‌المللی عکس برج میلاد تهران با اعلام فراخوان این دوره از جشنواره عکس، اعلام کرد تمامی متقاضیان شرکت در این دوره از جشنواره عکس برج میلاد تهران تا ۱۵ شهریور فرصت دارند آثار خود را به دبیرخانه این جشنواره ارسال کنند و آیین اختتامیه و اهدای جوایز اول مهر ۹۵ در مراسمی ویژه در برج میلاد تهران برگزار خواهد شد. حامد رهنما با بیان اینکه شرکت در این دوره از جشنواره برای تمامی هنرمندان و علاقه‌مندان به هنر عکاسی آزاد است، تصریح کرد: این دوره از جشنواره در دو بخش اصلی و جنبی خواهد بود که بخش اصلی، عکاسی با تجهیزات حرفه‌ای و بخش جنبی، عکاسی با تلفن همراه است و هر فرد می‌تواند در هر بخش با ارسال پنج اثر در یکی از بخش‌ها شرکت کند. رهنما با توضیح اینکه مهلت ارسال آثار تا ۱۵ شهریور خواهد بود و این تاریخ به هیچ عنوان تمدید نخواهد شد، تصریح کرد: آثار پذیرفته‌شده در این دوره در قالب نمایشگاهی از تاریخ اول تا نهم مهر در گالری برج میلاد تهران در معرض دید علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. وی در پایان عنوان کرد: متقاضیان شرکت در جشنواره می‌توانند قابل آثار خود را در سایت www.miladfestival.ir بارگذاری کنند یا به دبیرخانه جشنواره به نشانی تهران، بزرگراه شهید حکیم، بزرگراه شیخ فضل‌الله نوری، ورودی بزرگراه شهید همت، کانگزار اختصاصی برج میلاد تهران کدپستی: ۱۴۴۹۱۷۴۷۱ ارسال کنند.

«صلح‌روی کاغذ» درنیاوران

●**شرق:** دومین نمایشگاه دوسالانه هنر معاصر با عنوان «صلح روی کاغذ» جمعه، اولین روز مرداد، در گالری شماره یک فرهنگ‌سرای نیاوران برگزار می‌شود. به گزارش روابطعمومی فرهنگ‌سرای نیاوران، در این دوسالانه که به حمایت بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران، سوره هنرهای معاصر تهران، سوره هنرهای معاصر آبادان، گالری جمعه و گالری طراحان آزاد استودیو به برگزار می‌شود، ۶۰ اثر در بخش نقاشی، ۵۰ اثر در بخش عکس، ۲۰ اثر در بخش طراحی و ۱۰ اثر در بخش چیدمان در معرض دید عموم قرار می‌گیرند. همچنین بیش از ۱۰ اثر ویدئواتر در مدت برگزاری نمایشگاه اکران می‌شود.